



راست : ظرف فلزی و آویز برنزی لرستان از قرن هفتم تا هشتم پیش از میلاد که در یونان کشف گردید و اکنون در موزه ساموس نگهداری می‌شود
چپ : ظرف نونک دراز از گل پخته متعلق به قرن نهم یا هشتم پیش از میلاد که متکشف در فورون نزدیک قروین که اکنون در موزه ایران باستان حفظ می‌شود

روابط هنری ایران و یونان « یعنی شرق و غرب »

در اوایل هزاره اول پیش از میلاد

عیسی بهنام
استاد دانشگاه تهران

کسی بود که در ورقه امتحانی نوشته بود اسکندر مرد بدی بود و صلح و آرامش ایران را بهم زد و برخلاف گفته‌های استادش جواب جالبی تهیه کرده بود .

ولی این تنها يك نفر بود که برخلاف گفته‌های استادش و برخلاف نظر دیگران فکر کرده بود والا پس از برافتادن دودمان هخامنشی نویسندگان ایرانی تقریباً به اتفاق اسکندر را پادشاه قانونی ایران خواندند و حتی تا قرن هفتم و هشتم در صفحات نقاشی و در نوشته‌هایشان باو خصایل فوق‌العاده و دروغین دادند .

اگر نویسندگان خارجی برای تمدن یونان اهمیت فوق‌العاده قایل‌اند جای گله از آنها نیست چون ما هم به تمدن یونان و خصوصاً به هنر قدیم یونان اعتقاد کامل داریم و از دیدن مجسمه‌هایی که «فیدياس» و «پراکسیتل» و «لیزیپ» و «میرون» در قرن پنجم و چهارم پیش از میلاد ساخته‌اند لذت می‌بریم . با اینکه متأسفانه کارهای اصلی این هنرمندان کمتر بدست ما رسیده و ما از روی کپی‌های رومی درمورد بسیاری از آنها قضاوت می‌کنیم ، ولی آنچه که دانشجویان فرنگ‌رفته ما بزرحمت می‌توانند ببینند این است که همین یونانیان در همان عصرهای قدیم ، مثلاً در عصر هروودوت ، برای تمدن ایران از بسیاری جهات ارزش فوق‌العاده قایل بوده اند و این مطلب را خصوصاً هروودوت بارها در

وقتی دانشجویان ما از اروپا یا امریکا پس از تکمیل تحصیلاتشان به ایران برمیگردند افکارشان کاملاً غرق در مطالبی است که استادانشان بگوش آنها فرو کرده‌اند و واقعاً به آنها ایرادی نیست چون کسی که مدت هفت یا هشت سال در کلاس درس استادان مشهوری حضور یافته و به کتاب‌های متعددی که آنان تألیف کرده‌اند مراجعه کرده طبعاً چاره‌ای جز تعقیب همان راهی را ندارد که استادانش به او نشان داده‌اند .

خوب بخاطر دارم در کلاس دوم مدرسه علوم سیاسی قدیم بودم . خاطر من نیست چندسال قبل چون این قریب بزمان جوانی من است و من حالا خیلی پیرم . سیدمصلتی‌خان کاظمی به ما تاریخ ایران در عهد هخامنشیان را تدریس میکرد و طبعاً صحبت از فرار داریوش سوم و آمدن اسکندر به ایران به میان آمد . آقای کاظمی خوب صحبت میکرد و ما را بسیار خوب تحت تأثیر گفته‌های خود قرار میداد بطوری که پس از پایان توضیح مربوط به مرگ داریوش سوم و اسکندر «کبیر» اشک در چشم تقریباً تمام هم‌کلاسی‌های ما پر شده بود . چند روز بعد ، از همان درس امتحانی بعمل آمد و ما تمام مطالبی را که آقای کاظمی برایمان گفته بود و بسورت «جزوه» ای درآورده بودیم خوب حفظ کرده بودیم و امید داشتیم نمره‌های خوبی بگیریم . ولی از میان ما فقط يك نفر نمره خوب گرفت و آن

نوشته‌هایش نقل کرده است. اکنون ده جلد کتاب هرودوت در اختیار بنده نیست که عین جملات او را برای شما نقل کنم ولی وقتی در پاریس تحصیل میکردم بارها به این نوع مطالب در کتاب هرودوت برخوردم. وی ایرانیان را از بسیاری جهات بهتر از یونانیان میدانست و خصوصاً برای تمدن ایران ارزش فوق‌العاده قایل بود.

حالا کاری به این نداریم که در بعضی جاها هم از روی تعصب میهن دوستی خود زیاده روی‌هایی کرده است و مطالبی گفته است که از حقیقت دور است ولی من امروز میخواهم کوشش کنم به خوانندگان عزیز این مجله مدارک عینی و واقعی ارائه بدهم که حاکی از این بوده است که در ایام قدیم یعنی حتی پیش از تشکیل حکومت هخامنشی مابین ایران و یونان روابط نزدیکی وجود داشته و بسیاری از موضوع‌های هنری را یونانیان از ایرانیان گرفته‌اند و بسیاری از آنها را هم ایرانیان از یونانیان اقتباس کرده‌اند.

بنا بر نوشته های یونانی (هنر ایرانی تألیف گیرشمن ترجمه پنجم صفحه ۳۳۱) در سال ۵۷۵ پیش از میلاد یعنی زمانی که مادها در ایران حکومتی تشکیل داده بودند مردم شهر ملطیه یعنی یونانی‌هایی که در سواحل شرقی دریای اژه مسکن داشتند (اکنون ترکیه) از راه کناره‌های دریا با کشتی به تراپوزون واقع در سواحل جنوبی دریای سیاه رفته و در آنجا شهری بوجود آوردند که هر روز بر وسعت آن افزوده میشد. این نخستین باری نبود که دریانوردان یونانی در این قسمت از سواحل دریای سیاه که به سبب وجود مال‌التجاره‌های ایران

مورد علاقه آنها بود دیده میشدند.

یونانی‌ها پیش از اینکه مصمم به استقرار در محلی شوند با مردم آن محل تماس میگرفتند و این تماس گاهی طبق تمایل طرفین بود و گاهی نیز اتفاقی بود.

مثلاً دریانوردی بنام «سامین کولایوس» در حدود ۶۳۰ پیش از میلاد بطرف مصر میرفت ولی باد او را به ماورا، ستون‌های هرکول (جبل‌العاریق) راند و در آنجا موفق به کشف بندر «تاسوس» گردید و معاملات تجارتی سودمندی انجام داد (هرودوت ۱۵۵-۳)

تاجرهای یونانی در این سواحل پونت خریدار آهن و موم و کتان و پشم و فلزات قیمتی و رنگ «کیناير» که از سولفور گوگرد تهیه میشد و چوب و برنز و اشیاء برنزی «اورارتو» و پارچه‌ها و گل و بوته دوزی‌های ایلامی و مواد بودند. (کتاب نامبرده در بالا ۲۳۱)

در همین زمان است که خروس ایران در یونان ظاهر میشود ولی خروس تنها مال‌التجاره‌ای نبود که از خارج یونان می‌آمد. يك طرف نوک‌دار برنزی کار لرستان در پرستگاه الهه «هرا» در جزیره «ساموس» پیدا شده (عکس شماره ۱) و يك آویز برنزی لرستان در گور «کنوسوس» در جزیره «کرت» کشف گردیده است و هر دو شیئی از قرون هفتم یا هشتم پیش از میلاد است و این کشف نشان میدهد که از قلب کشور ایران نیز مال‌التجاره‌هایی به یونان برده میشد. اینجاست که باستان‌شناسی برای کشف حقایق تاریخی کمک فوق‌العاده میکند. پیدا شدن يك ظرف دوهزار و شصند

راست: کوزه سفالین منقوش از ۷۰۰ سال پیش از میلاد که در یونان کشف شده و اکنون در موزه آن نگهداری می‌شود - عکس از کتاب هنر ایران تألیف گیرشمن
چپ: ظرف سفالین منقوش در ماکو از قرن هشتم پیش از میلاد که اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود



قطعه‌ای از سفال منقوش مکتوف درتبه سیلک نزدیک کاشان از قرن دهم یا نهم پیش از میلاد که قسمتی از آن درموزه لوور و قسمت دیگر درموزه ایران باستان است



ظرف سفالین منقوش از قرن هشتم پیش از میلاد که در یونان پیدا شده و اکنون درموزه کینهاک است



ظرف سفالین منقوش در یونان از ۷۳۰ پیش از میلاد که اکنون درموزه آتن حفظ می‌شود



ظرف سفالین مکتوف درتبه سیلک نزدیک کاشان از قرن دهم یا نهم پیش از میلاد که اکنون در یکی از مجموعه‌های خصوصی در سوئیس نگهداری می‌شود

سأله ایران در گوری در «کرت» بیش از ده مجلد کتاب هرودوت یا گزنوفون برای ما ارزش پیدا میکند. این چه اشخاصی بوده‌اند که در قرن هفتم پیش از میلاد ظروفی از برنز می‌ساختند که چهار هزار کیلومتر در مشرق کارگاه هایشان مورد استفاده قرار می‌گرفت؟ چه اشخاصی این ظروف را از مرکز ایران تا جزیره «کرت» با خود می‌بردند و از چه راهی این معاملات انجام می‌گرفت؟

صحت از تحقیقات در دانشگاه در این روزها زیاد میشود.

این یکی از آن موضوع هایی است که باید درباره آن تحقیق کرد و نتیجه آن این خواهد بود که بسیاری از مطالب تاریخی برای ما روشن خواهد شد. بدون شك خوانندگان عزیز این ظرف برتزی نوکدار را خوب می شناسند. زیرا حتی در این مغازه های عتیقه فروشی خیابان فردوسی نظایر آن زیاد دیده میشود و میتوان آنها را به قیمت های خیلی ارزان خرید.

این ظرف با آن نوک درازش فقط در گورهای ایرانیان بدست آمده و در موقع تدفین در آن آب متبرک میریختند و بوسیله نوک درازش آن آب متبرک را در گوش و دهان و بینی و چشم های مرده ها میچکاندند تا در آن دنیا بتوانند خوب ببینند و خوب بشنوند و بوی خوب استشمام کنند و دهانشان خوش بو باشد و غیره و این تمام مطالبی است که در نوشته های ایلامی روی گل از ایلام پیش نوشته شده و دانشمندانی مانند «پرل» فرانسوی آنرا ترجمه کرده اند و ترجمه آن اکنون در ۲۵ مجلد کتاب مربوط به کاوش های فرانسوی در شوش موجود است. حالا میخواهید نظیر این ظرف را که در گوری در جزیره «کرت» پیدا شده در خوروین در نزدیک ترین به شما نشان بدهم. لطفاً به شکل شماره ۲ در این مقاله توجه فرمایید.

کشف این ظرف در جزیره «کرت» نشان میدهد که راه های تجاری بین غرب و شرق در ایلام بسیار قدیم مثلاً در قرن هشتم و هفتم پیش از میلاد دایر بوده و از این راه محصولات ایران به یونان میرفته است. بهر حال اگر به اعتقاد خود یونانیان اعتماد کنیم که میگویند هنر یونان از ربع قرن سوم تا قرن هشتم پیش از میلاد از مشرق زمین الهام میگرفته بدون شك یکی از هنرهای الهام دهنده ایران بوده است.

ما ادعا نمیکنیم که نقوش سفال پیش از تاریخ ایران مثلاً سفال سیلک سهم مهمی در تشکیل هنر سفال سازی یونان داشته است. ولی فقط یادآور میشویم که بسیاری از موضوع هایی که روی سفال ایران و یونان در این زمان ها نقش شده بهم شباهت نزدیک دارند.

اگر این شباهت فقط در چند موضوع بخصوص و استثنایی مشاهده میشد مقایسه آنها اطمینان بخش نبود ولی تعداد سفال این دو ناحیه که بهم شباهت دارند بسیار زیاد است و توجه ما را بسوی موضوع جالبی معطوف میدارد.

مثلاً شکل شماره ۳ کوزه منقوشی را که در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد در یونان ساخته شده و اکنون در موزه آتن است به ما نشان میدهد. میتوان این ظرف را با «ریتون» منقوش به شکل اسب که در ماکو کشف گردیده مقایسه نمود (شکل ۴)

بهمین طریق سفال مکشوف در سیلک (شکل ۵) که از قرن ۱۰ یا ۹ پیش از میلاد است با سفال مکشوف در یونان (شکل ۶) که از قرن هشتم پیش از میلاد است و اکنون در موزه

کینهاک حفظ میشود قابل مقایسه است. و باز کوزه سفالین مکشوف در یونان (شکل ۷) که از حدود ۷۲۰ پیش از میلاد است و در موزه آتن حفظ میشود با کوزه نوک دار سیلک (شکل ۸) که از قرن ۱۰ یا ۹ پیش از میلاد است شباهت زیاد دارد.

یکی دیگر از موضوع هایی که در هنر ایران و یونان با هم شباهت کامل دارند قسمت مرکزی سپرهای لرستان و یونان است.

قسمت مرکزی سپری که از لرستان پیدا شده و در یکی از مجموعه های خصوصی شهر بال در سویس است (شکل ۹) و از قرن هشتم یا هفتم پیش از میلاد است میتواند با نقش جام سفالین منقوش به تصویر گورگونی که متعلق به حدود ۶۰۰ سال پیش از میلاد است (شکل ۱۰) و اکنون در موزه بریتانیا حفظ میشود مقایسه شود.

بهمین طریق سر قسمت مرکزی دیگر از سپر لرستان که از قرن هشتم یا هفتم پیش از میلاد است (شکل ۱۱) و در موزه تهران حفظ میشود با قسمت مرکزی سپر برتزی که در یونان

قسمت مرکزی سپر متعلق به قرن هشتم یا هفتم پیش از میلاد که در لرستان کشف گردیده است و اکنون در یکی از مجموعه های خصوصی شهر بال نگهداری میشود





راست: عکس سمت چپ مجموعه‌ای از سر آکولئوس است که در یونان پیدا شده و اکنون در یکی از موزه‌های برلن است، عکس سمت راست قسمت مرکزی یک سیر که در لرستان پیدا شده است و متعلق به قرن هشتم یا نهم پیش از میلاد است و اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. چپ: ظرف سفالین منقوش که در حدود ۶۰۰ پیش از میلاد در یونان پیدا شده و اکنون در موزه لندن نگهداری می‌شود.

نظر قربانی داشته‌است. یعنی دشمن وقتی روبروی رقیب خود قرار میگرفت با دیدن این صورت وحشتناک و مفهوم مذهبی که در آن مستتر بود روحیه خود را از دست میداد.

اگر اجازه بفرمایید این مفهوم را با یک مثال بسیار عامیانه امروزی مقایسه مینمایم و از آن نتیجه میگیریم که در کشور ما این نوع عقاید که ما به آن خرافات میگوییم از ایام قدیم تا این تاریخ فرقی نکرده است. شما وقتی سوار اتومبیل هستید می‌بینید که پشت سر اتومبیل جلوی شما نوشته شده‌است خدا بهمراحت یا سفر بهخیر یا بر چشم بد لعنت و غیره. مقصود راننده اتومبیل جلوی شما این است که شما طبعاً وقتی چشمتان به این نوشته افتاد و آنرا خواندید در نتیجه همین عمل شما اگر چشم شما بد است بلا از مایشین جلوی شما رفع خواهد شد. آیا تصور نمیکنید قراردادن چنین صورت وحشتناکی که امروز ما معنای آنرا نمی‌فهمیم در آن روز مفهومی داشته و برای همین نوع منظرها در میان سیر رزم‌آوران قرار داده میشده است.

اما رابطه هنر ایران با هنر یونان در قرون ۹ و ۸ و ۷ پیش از میلاد، یعنی حتی پیش از برقراری روابط رسمی در دوران های ماد و هخامنشی، بسیار زیادتر از این بوده‌است که در این مقاله برای شما مختصری از آنرا بیان نمودیم.

نگارنده عقیده دارد مقالات مجله هنر و مردم باید کوتاه باشد تا خواننده رغبت به خواندن آن پیدا کند و بنابراین مطلب را به همین‌جا پایان میدهم و اگر انشاءالله فرصت دیگری دست داد از جنبه‌های دیگر این مطلب یعنی رابطه قدیمی شرق (یعنی ایران قدیم) و غرب (یعنی جهان یونان) که دنیای آن روز را بین خود تقسیم کرده بودند صحبت خواهیم کرد.

پیدا شده و سر آکولئوس را نشان میدهد و اکنون در آتیکوآ ریوم برلن حفظ میشود (عکس طرف چپ شکل ۱۱) نیز قابل مقایسه است.

سپرهایی که قسمت مرکزی آن با صورت انسان نقش شده ابتدا در هنر ایران معمول گردید. اتروری تنها کشور غربی است که این نقش را بصورت موجودی که از بالا جلوی می‌کند (نظر قربانی) بکار برد. در آنجا بیشتر صورت «گورگونی» را در میان سیر قرار میدادند. در ایران صورت زن در میان سیر مجسم میشد ولی در مغرب ابتدا صورت مرد بکار رفت و بعداً صورت زن ریش‌دار جای آنرا گرفت. قدیم‌ترین نمونه‌های «گورگونی» در روی سپرها از قرن هشتم پیش از میلاد قدیم‌تر نیست (گورگونی در افسانه های یونانی موجودی است که اگر کسی به او نگاه کند مبدل به سنگ میشود). سیر «گورگونی» بدون بدن قدیمی‌تر از گورگونی تمام قد است که در حال دودن است. تصور میکنند همین «گورگونی» یا نظر قربانی است که بعدها وارد اساطیر یونان گردیده است. «اشیل» در کتاب «پرومته در زنجیر» در صفحه ۷۹۲ محل اقامت گورگونی‌ها را در مزارع «کیستن» در پشت کوه های دریای سیاه قرار داده است و «فورکیده‌ها» (دختران باکره که بدن آنها بصورت بدن قو بوده است) نیز در آنجا اقامت داشته‌اند. از اطلاعات جغرافیایی «اشیل» نمیتوان استفاده‌ای کرد ولی قدیمی‌ترین نقوش «هاری‌ها» و «گورگونی‌ها» و «سیرن‌ها» بدون شک از همین نواحی به یونان رفته‌اند و مأخذ آنها را در نقوش روی اشیاء برتری لرستان در قرن هفتم یا هشتم پیش از میلاد میتوان قرار داد.

مفهوم قسمت مرکزی سپرها در لرستان و در یونان جنبه